

پسگفتار

مقاله‌ی اخیر قبلاً هنگامیکه سرمقاله نوایا ژیزن شماره‌ی اول اکتبر گوهر دیگری از حماقت را که به هر حال خطرناک است ارائه نمود نوشته شد، چرا که در این مقاله اعتراف به همفکری با بلشویکها کرده و عاقلانه نصایح دوستانه را ارائه داده است: "به خودتان اجازه تحریک شدن ندهید" (چنین گفتاری را در مورد تحریک هرگز نپذیرید چرا که هدف آنها اینست که بلشویکها را ترسانده و باعث شوند که آنها از بدست گرفتن قدرت طفره بروند.)
این گوهر تابناک! چنین است:

"درسهای جنبش‌های ۳ تا ۵ ژوئیه از یک طرف و حوادث زمان گرنیلوف از طرف دیگر کاملاً نشان داده‌اند که دموکراسی در صورتیکه دارای ارگانهای توده‌ای باشد چنانچه در هنگام جنگ داخلی موضع تدافعی بگیرد شکست ناپذیر خواهد بود. و اگر موضع تهاجمی و آغازگرانه داشته باشد، شکست خورده و تمامی افراد و گروه‌های مردم و نامدعم را از دست خواهد داد."

چنانچه بلشویکها به هر شکلی و به جزیی ترین درجه‌ای تسلیم حماقت بیهوده این مطلب شوند، حزب و انقلاب رانابود می سازند. نویسنده این مطلب که جرات بحث درباره جنگ داخلی (درست مانند پتروشکا^{۱۳}) را به خود می دهد درسهای تاریخ را در این مورد بطرز مضحک و غیر قابل باوری تحریف کرده است.

در اینجا بهتر است نشان دهیم که چگونه این درسها، درس های تاریخ در این مورد، بوسیله بنیان گذار تاکتیک های انقلابی پرولتاریا، کارل مارکس، مورد بررسی قرار می گیرد :

"اکنون، قیام کاملا مانند جنگ و یا هر چیز دیگری هنراست و از قوانین تسلسل پیروی می کند تا در صورتیکه در نظر گرفته نشوند، برای حزبیکه از آن چشم پوشی کرده نابودی به بار خواهد آورد. این قوانین، که نتیجه منطقی ماهیت طرفین و خصلت شرایط وضعیتی هستند که باید با آن روبرو شد، آنقدر واضح و ساده اند که تجربه ی کوتاه ۱۸۴۸ مردم آلمان را تقریبا به خوبی با آنها آشنا ساخت. اولاً "هرگز با قیام بازی نکنید، مگر کاملا" آماده باشید تا با نتایجی که به بار خواهد آورد، روبرو شوید (به بیان ساده تر: عواقب کار را در نظر بگیرید) * قیام مانند معادلات جبری مقادیر نامعینی اتخاذ می کند که ارزش آن هر روزه در معرض تغییر قرار دارد، نیروهایی که در مقابل شما قرار گرفته اند از برتری تشکیلات، نظم و قدرت سنتی برخوردارند (مارکس "مشکل ترین" مورد قیام را در نظر دارد، قیام در مقابل "قدرت تثبیت شده" قدیمی، قیام در مقابل ارتشی که هنوز در اثر انقلاب و تردید دولت تجزیه نشده

* گفته های داخل پرانتز (که در این متن بوسیله لنین نقل شده است) بوسیله لنین در متن آورده شده . ه . ت .

است) *، و بدون ایجاد مشکلات عظیم برای آنها شکست خورده و نابود خواهید شد. ثانياً "زمانیکه بامر قیام دست می زنید با قاطع ترین تصمیم وارد عمل شده و در موضع حمله قرار بگیرید.

موضع دفاعی برای هر قیام مسلحانه بمعنای مرگ است و قبل از آنکه بتواند با دشمن وارد مقابله شود، نابود خواهد شد. آنگاه که نیروهای دشمن پراکنده است حملات ناگهانی را علیه وی انجام دهید و خود را برای پیروزیهای جدید، هر چند ناچیز ولی روزمره آماده کنید. روحیه پیروزمندانهای راکه او لین شورش نصیب شما نموده است در سطح بالا نگهدارید و تمام آن عناصر متزلزلی را که همیشه بدنیاال قویترین محرک کشیده می شوند و مدام جویای آن طرفی هستند که از تأمین بیشتری برخوردار است، بگرد خود جمع کنید. دشمنان را قبل از آنکه بتوانند نیروهایشان را علیه تان جمع آوری کنند مجبور به عقب نشینی کنید. بقول دانتون، این بزرگترین استاد برجسته سیاست انقلابی تا به امروز، "شهامت، شهامت و باز هم شهامت" (انقلاب و ضد انقلاب در آلمان - چاپ آلمان، ۱۹۵۷ صفحه ۱۱۸) ۲۷

"مارکسیست نماهای" نو یا ژیزن ممکن است در مورد خودشان بگویند که همه چیز عوض شده است، به عوض شهامت سه باره آنها دو خاصیت دارند. آقایان، ما دو خاصیت داریم، "اعتدال و

* ترجمه نقل قول بالا مستقیماً از ترجمه فارسی کتاب "انقلاب و ضد انقلاب" فصل قیام آورده شده است. ت. م.

دقت ۲۸) ، ، برای "ما" تجربه تاریخ جهان ، تجربه‌ی انقلاب کبیر فرانسه چیزی نیست . موضوع مهم برای "ما" تجربه دو جنبش ۱۹۱۷ می باشد که بوسیله عینک مولچالین (Molchaline) تحریف شده است .

بیاپید این تجربه را بدون این عینک فریبنده بررسی کنیم . شماره ۵-۳ ژوییه را با "جنگ داخلی" مقایسه می‌کنید ، چون به آلکسینسکی ، پرورزف و شرکا معتقد هستید . این نمونه افراد نوپاژیزن است که به چنین اشخاصی معتقد باشند (این افراد مطلقاً خودشان اطلاعاتی در مورد ۵-۳ ژوئیه جمع آوری نمی‌کنند ، هر چند که دستگاه وسیع یک روزنامه‌ی روزانه‌ی بزرگ را در اختیار دارند . بیاپید برای لحظه‌ای فرض کنیم که ۵-۳ ژوئیه که بوسیله‌ی بلشویکها در مراحل اولیه نگه داشته شد طلیعه یک جنگ داخلی نبوده بلکه یک جنگ داخلی واقعی بوده است . بیاپید فرصت را بر این بگذاریم .

در اینصورت ، این درس چه چیزی را ثابت می‌کند ؟

اول ، بلشویکها موضع تهاجمی نگرفتند . این موضوع روشن است که اگر آنها در شب ۴-۳ ژوییه و حتی در ۴ ژوییه موضع تهاجمی می‌گرفتند به دست آورده‌های قابل توجهی نایل می‌شدند . اگر قرار باشد از جنگ داخلی صحبت کنیم ، موضع تدافعی آنها ضعف آنها بود (آنطور که نوپاژیزن معتقد است ، و نه برگرداندن یک شورش خود بخودی به تظاهراتی از نوع ۲۱-۲۵ آوریل ، آنطور که حقایق

نشان می دهد) .

بنابراین ، این " درس " ثابت می کند که مردان خردمند نوپاژیزن در " اشتباه " هستند .

دوم ، اگر بلشویکها حتی مقدمات آغاز قیام را در سوم یا چهارم ژوئیه تدارک ندیده‌اند ، اگر حتی یک نفر بلشویک چنین سئوالی را مطرح نکرده‌است ، دلیل آن در ماورای محدوده‌ی مباحثه ما با نوپاژیزن قرار دارد . چرا که ما در باره درسهای " جنگ داخلی " بحث می‌کنیم ، یعنی از قیام ، و نه این نکته که اگر اکثریت بطور مشخص از آن حمایت نکنند حزب انقلابی از فکر کردن در مورد قیام باز می ماند .

چون بلشویکها بعد از ژوئیه ۱۹۱۷ در شهرهای بزرگ و در کشور اکثریت داشتند (۴۹ درصد در مسکو) نوپاژیزن دوباره استنباط می کند که " درسها " خیلی دور هستند ، دورتر از آنچه نوپاژیزن این پتروشکای گوگول^{۱۳} ، دوست دارد .

نه ، نه ، شما طرفداران نوپاژیزن بهتر است که به سیاست گاری نداشته باشید !

چنانچه حزب انقلابی در قسمت پیشرفته طبقات انقلابی و کشور اکثریتی نداشته باشد ، قیام انجام شدنی نیست . بعلاوه قیام به موارد زیر نیاز دارد :

(۱) رشد انقلاب در سراسر کشور (۲) ورشکستگی سیاسی و اخلاقی کامل دولت قدیمی ، برای مثال ، دولت ائتلافی (۳) تردید

زیاد در اردوگاه گروه‌های متوسط^{۲۸} یعنی آنها که کاملا از حکومت پشتیبانی نمی‌کنند هر چند که قبلا "کاملا" از آن پشتیبانی می‌کردند.

چرا نوایاژین هنگامیکه از "درسهای" ۵ - ۳ ژوییه صحبت می‌کند، از بیان این درس خیلی مهم عاجز است؟ علت اینست که این سؤال سیاسی به وسیله سیاستمداران بررسی نشده بلکه به وسیله محفلی از روشنفکران ترسیده از بورژوازی مورد بررسی قرار گرفته است.

سوم، حقایق نشان می‌دهند که بعد از ۴ - ۳ ژوییه دقیقا "به علت اینکه تزرتلی سیاست ژوئیه خود را افشا کرده بود، به علت اینکه توده‌ی مردم تشخیص دادند که بلشویکها جنگجویان صف اول آنها بوده و مدافعین "بلوک اجتماعی" خائن هستند، سرگردانی و پریشانی در بین اس‌ارها و منشویک‌ها آغاز شد.

حتی قبل از شورش گورنیلوف این سرگردانی و پریشانی از طریق انتخابات پتروگراد در تاریخ ۲۰ آگوست که منجر به پیروزی بلشویکها و شکست مدافعین "بلوک اجتماعی" شد مشخص گردید. دیلونارودا اخیرا "کوشش کرد که با پنهان کردن آمار تمامی حزب‌ها این موضوع را رد کند، اینکار هم خود فریبی و هم فریب خوانندگان است. بر حسب آماریکه در دی^{۲۹} ۲۴ آگست منتشر شد، سهم کادتها فقط در شهر و در کل آراء افزایشی به میزان ۲۲ تا ۲۳ درصد داشته است اما تعداد آراء قطعی که برای کادتها

به صندوق ریخته شده بود تا ۴۰ درصد کاهش یافت، سهم بلشویکها از مجموع آراء ۲۰ تا ۳۳ درصد افزایش یافته در حالیکه آرای قطعی که برای بلشویکها داده شده فقط ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد، سهم گروههای متوسط از ۵۸ درصد به ۴۴ درصد کاهش یافت، اما تعداد آرای قطعی برای آنها ۶۰ درصد کاهش نشان می‌دهد.

این موضوع که سرگردانی و پریشانی در بین اسارها و منشویکها بعد از روزهای ژوییه، و قبل از روزهای کرنیلف آغاز شده است از طریق رشد جناحهای چپ در هر دو حزب، تقریباً ۴۰ درصد، ثابت می‌شود... این "کیفر" زجر و آزار بلشویکها توسط کرنسکی است.

علیرغم "از دست دادن" چند صد عضو، حزب کارگری بعد از ۳-۴ ژوییه طرفداران زیادی بدست آورد، چرا که درست در همان روزهای سخت بود که مردم از خود گذشتگی آنها و خیانت اسارها و منشویکها را تشخیص داده و دیدند. بنا بر این، این "درس" از "نویا ژیزن بعید است. این کاری کاملاً متفاوت است، یعنی: توده‌های خروشان را "بخاطر دموکراسی مولچالینها" ترک نکنید، و هنگامیکه دست به قیام می‌زنید، در حالیکه نیروی‌های دشمن متفرق می‌شوند به حمله تهاجمی دست زده و دشمن را غافل گیر کنید.

آیا این چنین نیست، آقایان "مارکیست‌نمای" "نویا ژیزن"؟

یا اینکه "مارکسیسم" به معنی تعیین تاکتیک برحسب ارزیابی دقیق از موقعیت عینی نیست بلکه رویهم گذاشتن غیر انتقادی و احمقانه‌ی "جنگ داخلی، کنگره‌ای از شوراهای و نوید تشکیل مجمع موسسان می‌باشد؟"

آقایان، این حرفهای مضحک و خنده‌آور، استهزای محض مارکسیسم و بطورکلی منطقی است!

اگر چیزی در موقعیت عینی وجود ندارد که نشانه‌ی شدت مبارزه طبقاتی تا حد جنگ داخلی باشد، چرا از "جنگ داخلی" در رابطه با "یک کنگره از شوراهای و مجمع موسسان یاد می‌کنید؟" (در اینجا عنوان سرمقاله نوپاژیزن مورد بحث است).

در آن صورت شما باید به خوانندگان خود بطور واضح می‌گفتید و ثابت می‌کردید که هیچ زمینه‌ای در موقعیت عینی برای جنگ داخلی وجود ندارد و بنا براین اقدامات ساده "پارلمانی، قانونی، مطابق با قانون اساسی و صلح‌آمیز مانند کنگره‌ی شوراهای و مجمع موسسان می‌توانند و باید به عنوان اساس تاکتیک‌ها قرار گیرند. در این صورت می‌توان عقیده داشت این چنین کنگره و این چنین مجمعی واقعا "قادر به تصمیم‌گیری است".

چنانچه شرایط عینی حاضر اجتناب‌ناپذیر بودن و حتی احتمال جنگ داخلی را در خود داشته باشد، چنانچه شما از روی "بطالت" در مورد آن صحبت نکنید، بلکه وضعیت جنگ داخلی را دیده، احساس و درک کنید چگونه می‌توانید کنگره

شوراها یا مجمع موسسان را اساس قرار دهید؟ این کار صرفاً " ریشخند کردن مردم زجر دیده و گرسنه است! آیا فکر میکنید گرسنگان برای ۲ ماه "صبر" می‌کنند؟ آیا فساد، که شما هر روزه در مورد افزایش آن مقاله می‌نویسید، تا ایجاد کنگره‌ی شوراها یا مجمع موسسان صبر می‌کند؟ آیا مهاجمین آلمانی، در نبود اقدامات جدی از طرف ما برای صلح (یعنی در مورد پیشنهاد رسمی صلحی عادلانه برای تمامی طرفین درگیر در جنگ) برای ایجاد کنگره‌ی شوراها و یا مجمع موسسان صبر خواهند کرد؟ و یا اینکه حقایقی را در اختیار دارید که شما را باین نتیجه می‌رساند که انقلاب روسیه که از ۲۸ فوریه تا به سپتامبر با شدت فوق‌العاده و سرعت بی سابقه گسترش یافته از اول اکتبر تا ۲۹ نوامبر ۳۰ با گامی از نظر قانونی متعادل، صلح آمیز و در آرامش کامل گسترش خواهد یافت و می‌تواند از قیام‌ها، جنبش‌ها، شکست‌های نظامی و بحران‌های اقتصادی جلوگیری کند؟ آیا ارتش حاضر در جبهه، با در نظر گرفتن اینکه افسر غیر بلشویکی دو با سوف رسما " و بنام حاضران در جبهه اعلام کرد: "دیگر جنگ نمی‌کنیم"، تا زمان " تعیین شده " به آرامی از گرسنگی و سرما تلف خواهد شد؟ آیا شورش دهقانان به این علت که شما آنرا " هرج و مرج " و " قتل عام " می‌دانید، یا به این علت که کرنسکی نیروهای " نظامی " خود را علیه آنها بسیج می‌کند عاملی برای جنگ داخلی نخواهد بود؟ و آیا ممکن است، یا قابل تصور است که

حکومت در یک کشور دهقانی، هنگامیکه شورش دهقانان را سرکوب می‌کند، به آرامی و بدون فریب به تشکیل مجمع موسسان اقدام کند؟

آقایان، " به آشفتگی موجود در دانشکده اسمولنی ۳۱ " نخندید! در صفوف شما آشفتگی کمتر از این نیست. شما به سئوالات محکم و قاطع در مورد جنگ داخلی با عبارات در هم و تصورات قانونی ترحم انگیزی پاسخ می‌دهید. از اینرو است که من معتقدم اگر بلشویکها به چنین حالاتی تسلیم شوند، هم انقلاب و هم حزبشان را نابود خواهند کرد.

لنین

۱ - اکتبر ۱۹۱۷

نوشته شده در پایان سپتامبر - اکتبر (۱۴) ۱۹۱۷ منتشر شده در اکتبر ۱۹۱۷ در مجله پروسوش چینه شماره ۲ - ۱ ترجمه به فارسی در مرداد ماه ۱۳۵۸، گروه مترجمین ما.

یادداشت‌ها

۱ - مقاله در وی برگ (Vyborg) بین اواخر سپتامبر و اکتبر (۱۴) ۱۹۱۷ نوشته شده است . اولین بار در روزنامه پروس و ش چینه (تعلیم و تربیت) شماره ۲-۱ اکتبر ۱۹۱۷ منتشر شد .

پروس و ش چینه (Prosveshcheniye) - یک روزنامه‌ی تئوریک بلشویکی است که بطور قانونی در سن پترزبورگ از دسامبر ۱۹۱۱ تا ژوئن ۱۹۱۴ منتشر می‌شد . در شروع جنگ جهانی اول از طرف دولت تعطیل گردید . در پاییز ۱۹۱۷ انتشار آن دوباره شروع شد و فقط ۲ شماره آن منتشر گردید .

۲ - رش (سخن - Rech) روزنامه روزانه ارگان مرکزی حزب کادتها که در سن پترزبورگ از ۲۳ فوریه (۸ مارس) ۱۹۰۶ منتشر شد . بعد از انقلاب بورژوا - دموکراتیک ۱۹۱۷ حمایت فعال خود را از دولت موقت در زمینه سیاست داخلی و خارجی نشان داد و مبارزه شیرانه‌ای را با لنین و حزب بلشویک رهبری کرد . این روزنامه بوسیله‌ی کمیته نظامی انقلابی شورای پتروگراد در ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر) ۱۹۱۷ تعطیل شد . بعد از این تاریخ تا تاریخ آگوست ۱۹۱۸ تحت عناوین Nacha Rech (نا

شارش) ، Svobodnaya Rech (سو و بود نیارش) ،
 ، Novaya Rech (نوایارش) ، و Nashvek
 (ناش وک) به انتشار خود ادامه داد .

۳- نوایا ژیزن (زندگی جدید) روزنامه‌ی روزانه منشویکی ،
 ارگان یک گروه سوسیال دمکرات که بعنوان انترناسیونالیست‌ها
 شناخته می‌شوند و در میان آنها می‌توان از منشویکها ، طرفداران
 مارتف ، و روشنفکران همفکر منشویکها نام برد . این روزنامه
 از آوریل ۱۹۱۷ در پتروگراد منتشر شد . بعد از انقلاب سوسیالیستی
 اکتبر نسبت به دولت شوروی روش خصمانه‌ای در پیش گرفت و
 در جولای ۱۹۱۸ تعطیل گردید .

منشویکها . نمایندگان خورده بورژوازی ، دارای تمایلات
 اپورتونیستی در حزب سوسیال - دمکرات روسیه و ماشین نفوذ
 بورژوازی در بین کارگران بودند . نام منشویک (اعضای اقلیت)
 به دومین کنگره حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه (R.S.D.L.F)
 که در آگوست ۱۹۰۳ تشکیل شد بر می‌گردد ، در
 انتخابات ارگانهای مرکزی حزب که در پایان کنفرانس منعقد
 شد منشویکها در اقلیت بودند در حالیکه سوسیال - دمکرات‌های
 انقلابی برهبری لنین اکثریت را تشکیل می‌دادند (بلشویک
 یعنی اعضای اکثریت) . منشویکها طرفدار همکاری بین پرولتاریا
 و بورژوازی بودند و یک خط مشی اپورتونیستی را در درون جنبش
 طبقه‌ی کارگر تعقیب می‌کردند - انقلاب بورژوا - دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷

به تاسیس قدرت دوگانه در روسیه منجر شد - حکومت موقت بورژوازی همراه با دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان که از طریق شوراها نمایندگی می‌شد در کنار هم قرار داشتند. منشویک‌ها و اس‌ارها وارد دولت موقت شدند، از سیاست امپریالیستی آن پشتیبانی کرده و برای جلوگیری از انقلاب شکوفان پرولتاریا به مبارزه پرداختند. منشویک‌ها در شوراها هم همین سیاست پشتیبانی از دولت موقت و منحرف کردن توده‌ها از جنبش انقلابی را دنبال کردند.

بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر، منشویک‌ها آشکارا به حزب ضد انقلابی تبدیل شده توطئه‌ها و شورش‌هایی به قصد سرنگون کردن حکومت شوروی طراحی و اجرا کردند.

۴- کادتها (حزب دموکرات مشروطه طلب) حزب بورژوازی لیبرال سلطنت طلب در روسیه بودند که در اکتبر ۱۹۰۵ تاسیس یافت. اعضای این حزب را بورژوازی، زمین داران و روشنفکران بورژوا تشکیل می‌دادند. کادتها سرانجام به حزب بورژوازی امپریالیستی تبدیل شدند. در طول انقلاب بورژوا دمکراتیک فوریه ۱۹۱۷ کوشش کردند که سلطنت را نجات دهند، از دولت موقت نقش رهبری را عهده گرفته و سیاستی ضد انقلابی و مخالف منافع مردم در پیش گرفتند.

بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر آنها دشمن سرسخت دولت شوروی شدند و در همه عملیات نظامی ضد انقلابی و

جنگ‌های مداخله‌گران خارجی شرکت کردند. کادتها سپس به خارج فرار کرده و فعالیتهای ضد شوروی و ضد انقلابی خود را در آنجا ادامه دادند.

کرنیلوف‌ها - طرفداران کرنیلوف، ژنرال تزاری که شورش ضد انقلابی آگوست (سپتامبر) ۱۹۱۷ را سازمان دادند (یادداشت شماره ۲۳ را ببینید) .

۵- این واقعه در (۱۷) ۴۰ ژوئن ۱۹۱۷ در هنگام نطق تزر تلی منشویک، یکی از وزیران حکومت موقت، اتفاق افتاد. او گفت که هیچ حزب سیاسی در روسیه وجود ندارد که آمادگی بدست گرفتن تمام قدرت را داشته باشد. لنین از طرف حزب بلشویک حرف تزر تلی را قطع کرد و گفت: چرا وجود دارد. بعداً در نطق خود روی کرسی خطابه اعلام کرد که بلشویکها حاضرند که تمام قدرت را در هر لحظه در دست بگیرند.

۶- انقلابیون سوسیالیست (اس. ارها) - یک حزب خورده بورژوازی که در اواخر ۱۹۰۱ و اوایل ۱۹۰۲ هنگامیکه گروهها و محفل‌های مختلف نارودنیک پیدا شدند تاسیس شد. عقاید اس ارها مخلوطی از عقاید ناردونیکها و رویزیونیستها بود. در طول جنگ جهانی اول اغلب آنها عقاید سوسیال‌شوینیست پیدا کردند.

بعد از انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه‌ی ۱۹۱۷، اس ارها همراه با منشویکها تکیه‌گاه اصلی زمین‌داران بورژوازی حکومت

موقت بودند، و رهبران حزب (آوک سنتیف - کرنسکی و چرنف) اعضای کابینه بودند. حزب اس ارها از تقاضای دهقانان برای لغو مالکیت املاک پشتیبانی نکردند و به نفع ابقای مالکیت املاک رای دادند. وزیران اس ار در حکومت موقت گروههای تنبیهی برای مقابله با دهقانانی که زمینها را گرفته بودند فرستادند. در پایان نوامبر ۱۹۱۷، جبهه چپ حزب جداگانه‌ای تشکیل داد، و در یک کوشش برای ابقای نفوذ خود در میان دهقانان بطور رسمی دولت شوروی را برسمیت شناخت و با بلشویکها به موافقت رسید.

در طول مداخله‌ی نیروهای مسلح خارجی و جنگ داخلی اس ارها دست به فعالیت‌های خرابکاری زده و با تمام قوا از مداخله‌گران و گاردهای سفید حمایت میکردند، آنها در توطئه‌های ضد انقلابی شرکت کرده و بر علیه رهبران حزب کمونیست و دولت شوروی دست به اعمال تروریستی زدند. بعد از جنگ داخلی آنها در داخل و در بین مهاجرین خارجه به این فعالیتها ادامه دادند.

۷ - تئاتر الکساندرینسکی Alexandrinsky Theater

در پتر و گراد محل تشکیل کنفرانس دموکراتیک بود.

۸ - کنفرانس دموکراتیک سراسری روسیه بوسیله‌ی کمیته اجرایی

مرکزی شوراها که تحت تسلط منشویکها و اسارها بود تشکیل شد تا در مورد قدرت حکومتی تصمیم بگیرند، اما هدف واقعی از

تشکیل آن منحرف کردن توجه توده‌ها از جنبش انقلابی در حال رشد آنها بود. کنفرانس ابتدا قرار بود در (۲۵) ۱۲ سپتامبر تشکیل شود ولی بعداً تا تاریخ ۲۲-۱۴ سپتامبر (۲۷ سپتامبر - ۵ اکتبر) ۱۹۱۷ به تعویق افتاد. کنفرانس در سنت پترزبورگ و با حضور ۱۵۰۰ نماینده تشکیل شد. رهبران منشویک و اس‌ار حداکثر کوشش خود را انجام دادند تا از تعداد نمایندگان دهقانان و کارگران بکاهند و به تعداد نمایندگان سازمانهای بورژوازی و خورده بورژوازی بیافزایند و بتوانند اکثریت را بدست آورند. بلشویکها تصمیم گرفتند برای افشای منشویکها و اس‌ارها در مجلس شرکت کنند.

کنفرانس دموکراتیک قطعنامه‌های مبنی بر تاسیس یک پارلمان مقدماتی (شورای موقت جمهوری) صادر کرد و هدف آنها ایجاد این احساس بود که روسیه اکنون دارای سیستم پارلمانی است. بر حسب مقررات حکومت موقت پارلمان مقدماتی از یک مجمع مشورتی مسئول نسبت به دولت تشکیل می‌شد.

لنین در مقاله‌های قهرمانان ثقلب و اشتباهات بلشویکها، از یادداشت‌های یک مبلغ، اشتباهات حزب ما، و بحران رشد-یافته تاکتیک‌های بلشویکها را در رابطه با کنفرانس دموکراتیک مورد انتقاد قرار داد، او قاطعانه تقاضا کرد که بلشویکها باید از پارلمان مقدماتی بیرون بیایند و فعالیت‌های خود را برای آمادگی در قیام متمرکز سازند. کمیته‌ی مرکزی پیشنهاد لنین را مورد بحث

قرار داد و علیرغم مقاومت کامنف ریکف و سایر تسلیم طلبان ، قطعنامه‌ی مبنی بر شرکت نکردن بلشویکها در پارلمان مقدماتی را تصویب کرد . در (۲۰) ۷ اکتبر ، روز افتتاح پارلمان مقدماتی ، بلشویکها بعد از خواندن بیانیه خود مجلس را ترک کردند .

۹ - دیلونارودا (امر مردم) - ارگان روزانه اسارها که از مارس ۱۹۱۷ تا ژوئیه ۱۹۱۸ تحت نام‌های مختلف در پتروگراد منتشر شد . این روزنامه در موضع حمایت و موافقت از دولت موقت بورژوازی قرار داشت . این روزنامه چاپ مجدد خود را در اکتبر ۱۹۱۸ در سامارا (Samara) (۴ شماره) و در مارس ۱۹۱۹ در مسکو (۱۰ شماره) آغاز کرد و بعلت فعالیت ضد انقلابی تعطیل گردید .

۱۰ - رابوچی پوت (Rabochy) (راه کارگران) - روزنامه‌ی پراودا زمانی تحت این عنوان منتشر می‌شد . پراودا (حقیقت) - روزنامه‌ی قانونی بلشویکها بود که بطور روزانه در سنت پترزبورگ منتشر می‌گردید . این روزنامه به ابتکار کارگران سنت پترزبورگ در آوریل ۱۹۱۲ منتشر شد . لنین جهت ایدئولوژیکی آنرا تعیین می‌کرد و تقریبا هرروز در آن می نوشت . لنین در خصوص تبدیل این روزنامه به روزنامه‌ای انقلابی و مبارز به سر دبیران آن دستوراتی صادر کرد . پراودا پیوسته بوسیله پلیس مورد تعقیب قرار می‌گرفت و بالاخره در (۲۱) ۸ ژوئیه ، ۱۹۱۴ تعطیل شد .

پراودا فعالیت مجدد خود را بعد از انقلاب بورژوا - دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷ آغاز کرد. در (۱۸) ۵ مارس ۱۹۱۷ به ارگان کمیته‌ی مرکزی کمیته پتروگراد حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه تبدیل شد.

هنگامیکه لنین به پتروگراد برگشت وارد هیئت سر دبیری روزنامه شد و مبارزه را در حمایت از تبدیل انقلاب بورژوا - دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی آغاز کرد.

در اثر اذیت و آزار دولت موقت در فاصله ژوئیه و اکتبر، این روزنامه تحت نامهای متعددی مانند Listok (لیستک)، Pravdy (پراودی)، Proletaria (پرولتاری Rabochoy) (رابوچی) و Rabochoy Put (رابوچی پوت) منتشر شد. بعد از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، از ۲۷ اکتبر (۹ نوامبر) ۱۹۱۷ تحت نام اصلی خود منتشر شد.

۱۱ - حوادث ۳-۵ ژوئیه منعکس کننده بحران سیاسی عمیق در کشور بود و در واقع جنبش کارگران و سربازانی بود که از سیاست ضد انقلابی دولت موقت خشمگین شده بودند. شکست تعرضی در جبهه جنگ که بدستور کرنسکی در تاریخ (۳۱) ۱۸ ژوئن صورت گرفت؛ رشد بیکاری در اثر بسته شدن کارخانه‌ها بدست سرمایه‌داران، افزایش قیمت‌ها و کمبود شدید غذا از عوامل اصلی جنبش بود. جنبش در (۱۶) ۳ ژوئیه با تظاهرات خود بخودی که می‌رفت تا به شورش مسلحانه بر علیه

دولت موقت تبدیل شود آغاز شد.

حزب بلشویک در آنموقع مخالف قیام بود چرا که اعتقاد داشت بحران انقلابی هنوز بحد کمال نرسیده و ارتش و دهقانان برای حمایت از قیام در پایتخت آمادگی ندارند. در ملاقات کمیته‌ی مرکزی که در (۱۶) ۳ ژوئیه همراه با کمیته حزبی پتروگراد و سازمان نظامی کمیته مرکزی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه انجام گرفت تصمیم گرفته شد که از شرکت در تظاهرات خود داری کنند. دومین کنفرانس شهر پتروگراد که در آن موقع تشکیل جلسه داده بود تصمیم مشابهی اتخاذ کرد. نمایندگان کنفرانس به نواحی شهری رفتند تا توده‌ها را از شرکت در تظاهرات باز دارند، اما جنبش از کنترل خارج شده بود و امکان متوقف کردن آن وجود نداشت.

اواخر آن شب، کمیته‌ی مرکزی همراه با کمیته پتروگراد و سازمان نظامی با در نظر گرفتن روحیه‌ی توده‌ها تصمیم گرفتند که در تظاهرات ۴ ژوئیه شرکت کنند و آنرا به صورت مسالمت آمیز و متشکل در آورند. لنین که بعلت خستگی از کار برای تعطیلات کوتاهی از پتروگراد خارج شده بود بمحض اطلاع از وقایع صبح روز (۱۷) ۴ ژوئیه به پتروگراد مراجعت کرد و مسئولیت کار را به عهده گرفت.

بیش از ۵۰۰/۰۰۰ نفر در تظاهرات (۱۷) ۴ ژوئیه شرکت کردند. تظاهرکنندگان شعارهای بلشویکی از قبیل تمام قدرت

به شوراها، را حمل می‌کردند و می‌خواستند که کمیته‌ی اجرایی مرکزی شوراها را سرسوسیه قدرت را در دست بگیرد، اما رهبران اسار و سوسیال دمکرات از این کار خودداری کردند.

حکومت موقت، با آگاهی و رضایت کمیته‌ی اجرایی مرکزی که تحت تسلط منشویک‌ها و اسارها بود تصمیم به سرکوب تظاهرات گرفت. آنها گروه‌هایی از افسران کادت و کوساک (Cossacks) را برای حمله و تیراندازی به تظاهرات مسالمت آمیز مردم اعزام کردند. گروه‌های ضد انقلابی برای سرکوب، تظاهرات از جبهه‌ی جنگ فراخوانده شدند.

در پایان شب، لنین ریاست ملاقات اعضای کمیته‌ی مرکزی و کمیته پتروگراد را بعهده گرفته و تصمیم گرفته شد که تظاهرات را با روش مسالمت آمیز متوقف سازند. این اقدام عاقلانه‌ای بود چرا که نیروهای انقلابی اصلی را از شکست نجات می‌داد.

بعد از سرکوب تظاهرات، دولت موقت بورژوازی به انتقام جویی شدید بویژه بر علیه حزب بلشویک پرداخت. روزنامه‌های

بلشویکی پراودا، سولداتسکایا پراودا (Soldatskaya) و سایر روزنامه‌ها تعطیل شدند. کارگران خلع سلاح شده و دستگیر شدند، جستجو و تهاجم به (منازل) آغاز شد. واحدهای انقلابی

پادگان پتروگراد منحل شده و به جبهه جنگ فرستاده شدند .
منشویک‌ها و اسارها نشان دادند که همدستان واقعی بورژوازی
ضد انقلاب هستند .

۱۲- از شعر نکراسف بنام شاعر با شرافت خوشبخت است .
۱۳- اشاره به یک شخصیت از داستان ارواح مرده گوگول .
نامبرده هنگام خواندن کتاب کلمات را هجی می‌کرد و در مضمون
آن تعمق نمی‌ورزید و تمام توجهش به هجی کردن کلمات معطوف
بود .

۱۴- کوریا (Curias) تقسیمات رای دهندگان
در انتخابات دوما برحسب خصوصیات املاک ، ملیت و غیره .

۱۵- زنامیا ترودا (Znamya Truda) (پرچم کار)
ارگان روزانه‌ی کمیته‌ی پتروگراد حزب اسارها که از آگوست ۱۹۱۷
منتشر شد . از نوامبر ۱۹۱۷ (شماره ۵۹) به ارگان کمیته‌ی
پتروگراد حزب اسارها و گروه اسارهای چپ کمیته‌ی اجرایی مرکزی
دومین کنگره شوراهای سراسر روسیه تبدیل شد . از دسامبر ۱۹۱۷
(شماره ۱۰۵) ارگان مرکزی حزب اسارهای چپ بود و در
ژوئیه ۱۹۱۸ به هنگام شورش اسارهای چپ تعطیل گردید .

۱۶- ولیانارودا (Volya Naroda) (خواسته‌ی مردم)
ارگان روزانه‌ی جبهه‌ی راست حزب اسارها بود . این روزنامه از
آوریل ۱۹۱۷ در پتروگراد منتشر شد و در نوامبر ۱۹۱۷ تعطیل شد .
بعدها تحت نام‌های دیگر منتشر گردید و در فوریه ۱۹۱۸ برای

همیشه تعطیل شد.

۱۷ - یدینستفو (Yedinstvo) (وحدت) -
 ارگان منشویک‌های راست افراطی تحت رهبری پلخانف و در
 پتروگراد منتشر می‌شد. از مه تا ژوئن ۱۹۱۴ چهار شماره و سپس
 از مارس تا نوامبر ۱۹۱۷ بصورت روزانه منتشر شد. از دسامبر
 ۱۹۱۷ تا ژانویه ۱۹۱۸ تحت عنوان ناشه یدینستفو
 (Nashe Yedinstvo) انتشار یافت. یدینستفو خواستار
 حمایت از دولت موقت، ائتلاف با بورژوازی و حکومت ثابت
 بود. این روزنامه با بلشویکها مبارزه کرده و اغلب برای اینکار
 از روش‌های نادرست مطبوعات مبتذل استفاده می‌کرد. یدینستفو
 نسبت به انقلاب سوسیالیستی اکتبر و قدرت شوروی روش خصمانه
 داشت.

۱۸ - استروویسم (Strovism) تحریف بورژوازی
 لیبرال از مارکسیسم که بنام P.B. Strave نماینده‌ی عمده
 مارکسیسم قانونی در روسیه، نامگذاری شده است. مارکسیسم
 قانونی یک تمایل سیاسی-اجتماعی است که در دهه ۱۸۹۰ در
 بین روشنفکران بورژوازی لیبرال روسیه ظاهر شد. مارکسیست‌های
 قانونی که بوسیله استرووه رهبری می‌شدند مارکسیسم را برحسب
 منافع بورژوازی بکار می‌بردند. استرووه سرمایه‌داری را ستایش
 می‌کرد و معتقد بود که می‌توان از آن خیلی چیزها آموخت. لنین
 خاطر نشان کرد که استروویسم هر قسمت از مارکسیسم را که مورد

قبول بورژوازی لیبرال بود قبول می‌کند و مهمترین جنبه‌های مارکسیسم، هسته انقلابی آن - تئوری نابودی اجتناب ناپذیر سرمایه‌داری، تئوری انقلاب کارگری و دیکتاتوری پرولتاریا را بدور می‌اندازد.

۱۹ - تیت‌تی‌تیش (Tit: Titych) - تاجر ثروتمند داستان کم‌دی، باده را دیگران نوشته‌اند و خماریش را ما باید تحمل کنیم از آن آستروفسکی، لنین این نام را برای سرمایه‌داران خیلی با نفوذ و مهم بکار می‌برد.

۲۵ - ایزوستیای شورای نمایندگان سربازان و کارگران پتروگراد - یک روزنامه‌ی روزانه که از ۲۸ فوریه (۱۳ مارس) ۱۹۱۷ منتشر شد. بعد از تشکیل اولین کنگره‌ی شوراهای و کمیته اجرایی مرکزی شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان به ارگان کمیته اجرایی تبدیل شد. از (۱۴) آگوست (شماره ۱۳۲) بنام ایزوستیای کمیته‌ی اجرایی مرکزی و شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد خوانده شد. از ۲۹ سپتامبر (۱۲ اکتبر) (شماره‌ی ۱۸۴) ایزوستیای کمیته اجرایی مرکزی شوراهای نامیده شد. در تمام این مدت روزنامه تحت کنترل منشویک‌ها و اسارها بود و به مبارزه‌ی شدید علیه حزب بلشویک پرداخت.

بعد از دومین کنگره‌ی شوراهای سراسر روسیه روزنامه تحت سرپرستی هیئت سردبیری تازه قرارگرفت و ارگان رسمی دولت شوروی شد. این روزنامه اولین مدارک مهم دولت شوروی، مقاله‌ها و نطق‌های

لنین را نشر داد. از مارس ۱۹۱۸ در مسکو منتشر شد. از ۲۶ ژانویه ۱۹۳۸ بعنوان ارگان شوراهای نمایندگان مردم زحمتکش شناخته شده است.

۲۱ - رجوع کنید به منتخب مکاتبات مارکس انگلس، مسکو ۱۹۶۵، صفحه ۲۶۳.

۲۲ - اشاره به داستان چخوف، آدم توی غلاف داستانی که نشاندهنده‌ی آدم بی فرهنگ و کوتاه نظریست که نسبت به هر اختراع کوچکی محتاط است.

۲۳ - شورش کرنیلوف - شورش ضد انقلابی بورژوازی و زمین داران در آگوست ۱۹۱۷ که بوسیله‌ی فرمانده کل ارتش، ژنرال تزاری کرنیلوف رهبری شد. توطئه کنندگان در نظر داشتند پتروگراد را گرفته، حزب بلاشویک را نابود کرده، شوراها را متفرق و یک دیکتاتوری نظامی برای برگرداندن سلطنت ایجاد کنند. ۱. اف کرنسکی، رئیس حکومت موقت، در شورش شرکت کرد، اما با پیشرفت شورش تشخیص داد که او نیز همراه کرنیلوف نابود خواهد شد، بنابراین خودش را از کرنیلوف جدا کرده و او را متمرّد در مقابل دولت موقت اعلام کرد.

شورش در ۲۵ آگوست (۷ سپتامبر) آغاز شد.

مبارزه‌ی توده‌ای بر علیه کرنیلوف بوسیله حزب بلاشویک رهبری می شد و بر حسب تقاضای لنین، حزب به افشای حکومت موقت و متحدان اس ار - و منشویک آن پرداخت، و به تقاضای کمیته‌ی مرکزی

حزب بلشویک کارگران ، سربازان و ملاحان انقلابی پتروگراد برای سرکوب شورشیان بسیج شدند . کارگران به سرعت واحدهای گارد سرخ را سازمان داده و کمیته‌های انقلابی را در محل‌های متعددی ایجاد کردند . از پیشرفت سربازان کرنیلوف جلوگیری شد و روحیه‌ی آنها بوسیله‌ی مبلغین بلشویک تضعیف گردید .

شورش کرنیلوف بوسیله‌ی کارگران و دهقانان به رهبری حزب بلشویک شکست خورد . در اثر فشار توده‌ها دولت موقت مجبور به دستگیری و تعقیب کرنیلوف و همدستان وی با اتهام شرکت در شورش گردید .

۲۴ - وندی (Vendee) - استانی در فرانسه که منشاء ضدانقلاب در طول انقلاب بورژوازی فرانسه در پایان قرن هیجدهم بود . دهقانان عقب‌افتاده ، وندی بطور شدیدی تحت نفوذ روحانیان کاتولیک بوده و همچون مومی در دست ضد انقلابیون در جنگ علیه فرانسویان انقلابی شرکت می‌کردند .

۲۵ - در ۲۰ آوریل (۳ مه) روزنامه‌ها یادداشت وزیر امور خارجه ، میلیوکف (Miilyukov) را به دولت‌های متفق منتشر ساختند که در آن دولت موقت مجدداً تأیید کرد که به تمام معاهدات دولت تزاری احترام می‌گذارد تا بتواند جنگ را با نتیجه‌ای پیروزمندانه به پایان برساند . توده‌ها از این روش امپریالیستی به خشم آمدند . در ۲۱ آوریل (۴ مه) کارگران پتروگراد کار خود را متوقف کرده و به تظاهرات پرداختند . بیش از ۱۰۰/۰۰۰ کارگر و سرباز در تظاهرات

شرکت کرده و تقاضای صلح کردند. تظاهرات و اعتراضات همچنین در مسکو، اورال، اوکراین، کروشناد و سایر شهرها و نواحی روسیه انجام گرفت. شورای پتروگراد قطعنامه‌هایی مبنی بر اعتراضی علیه یادداشت میلیوکف از شوراهای سایر شهرها دریافت کرد.

تظاهرات آوریل به بحران در دولت منجر شد. فشار توده‌ها باعث استعفای میلیوکف و گوچکف (Guchkov) شد. نخستین حکومت ائتلافی در (۱۸) ۵ مه تشکیل شد و علاوه بر ۱۰ وزیر سرمایه‌دار، رهبران حزبی یعنی کرنسکی و چرنف از حزب اس‌ار، تزرتلی و اسکوبلف (Skobelev) از منشویک‌ها در آن شرکت داشتند، حکومت بورژوازی بوسیله اس‌ارها و منشویک‌ها که آشکارا از بورژوازی حمایت می‌کردند از سقوط نجات پیدا کرد.

۲۶ - به‌نام‌های انگلس F.A. Sorge در تاریخ ۲۲ فوریه ۱۸۸۸
مراجعه کنید.

۲۷ - انقلاب و ضد انقلاب در آلمان، انگلس، بخش ۱۸
قیام.

۲۸ - اشاره به کلمات مولچالین (Molchalin)، شخصیت داستان کم‌دی‌گریپایدف بنام "هوش باعث پریشانی است" که به‌عنوان (Witworkswoe) سمبل چاپلوسی و تملق‌گویی شناخته می‌شود.

۲۹ - دین (Dyen) (روز) - روزنامه‌ی بورژوازی لیبرال که که از ۱۹۱۲ در سنت پترزبورگ منتشر شد. منشویک‌ها در آن فعالانه

کار می‌کردند و بالاخره بعد از انقلاب بورژوا - دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷ کنترل کامل آنرا بدست گرفتند. این روزنامه بوسیله کمیته‌ی نظامی انقلابی شورای پتروگراد در ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر) ۱۹۱۷ تعطیل شد.

۳۰ - اشاره به موارد زیر است: ۲۸ فوریه (۱۳ مارس) تاریخ انقلاب بورژوا - دموکراتیک فوریه، ۳۰ سپتامبر (۱۳ اکتبر) اولین تاریخ پیشنهادی از طرف دولت موقت برای احضار مجمع موسسان، ۲۸ نوامبر (۱۱ دسامبر) ۱۹۱۷، تاریخ احضار مجمع موسسان.

۳۱ - نقل قولی است از مقاله N. Sukhanov (ن سوخانف) بنام صاعقه‌ی دیگر که در روزنامه نوایا ژیزن (زندگی جدید) چاپ شد.

از آگوست ۱۹۱۷، دانشکده‌ی اسمولنی مرکز گروه‌های بلشویکی کمیته‌ی اجرایی مرکزی سراسر روسیه و شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد بود. کمیته‌ی نظامی انقلابی همچنین در ماه اکتبر در این محل قرار داشت.

ضمیمه‌ی اسامی

آلکسینسکی - گریگوری آلکسیویچ (Alexinsky)

Grigory, Alexeyevich (قبل از ۱۸۷۹) در ابتدای فعالیت سیاسی خود سوسیال دمکرات بود. در انقلاب ۱۹۰۵ از بلشویکها حمایت کرد. در دوره‌ی ارتجاع (۱۹۰۷-۱۰) به سازماندهی گروه ضد حزبی و پیرویود (Vperiyod) پرداخت. در طول جنگ اول جهانی موضع سوسیال - شونیستی اتخاذ کرده و در روزنامه‌های بورژوازی متعددی به نوشتن پرداخت. در سال ۱۹۱۷ به گروه وحدت پلخانیف پیوست. دشمن انقلاب بود و در ژوئیه ۱۹۱۷ بکمک سرویس جاسوسی نظامی مدارکی دروغین را جعل کرده و به لنین و حزب بلشویک تهمت و افترا وارد کرد. در آوریل ۱۹۱۸ به خارج گریخت و به نیروهای مهاجر ضد انقلابی پیوست.

آوکسنتیف - نیکلای دمیتروویچ (Dmitriyevich,)

Nikolai Aukseytyev (۱۸۷۸ - ۱۹۴۳) یکی از رهبران و عضو کمیته‌ی مرکزی حزب اس ار بود بعد از انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه ۱۹۱۷ به ریاست کمیته‌ی اجرایی نمایندگان شوراهای دهقانی سراسر روسیه رسید و بعد وزیر امور داخلی حکومت موقت ائتلافی به سرپرستی کرنسکی گردید، بعدها به ریاست شورای ضد انقلابی موقت جمهوری

(پارلمان مقدماتی) منصوب گردید . بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر یکی از سازمان دهندگان شورش های ضد انقلابی گردید . بعدها به خارجه فرار کرد و به فعالیت های مخالف خود علیه دولت شوروی ادامه داد .

ب - بازارف Rudnev, Vladimir Alexandrovich

(۱۸۷۴ - ۱۹۳۹) در جنبش سوسیال - دمکرات از ۱۸۹۶ به بعد شرکت کرد و در فاصله ۷ - ۱۹۰۵ در انتشار آثار بلشویکی سهیم بود . در سالهای ارتجاع (۱۰ - ۱۹۰۷) از بلشویکها جدا شد و یکی از نمایندگان اصلی تجدید نظر طلبی ماخیزست در مارکسیسم شد . در ۱۹۱۷ یکی از سردبیران روزنامه نیمه منشویکی نوایا یازین (زندگی جدید) شد ، و با انقلاب سوسیالیستی اکتبر به مخالفت برخاست بعد از ۱۹۲۱ در کمیسیون طراحی دولتی مشغول بکار شد و در سالهای آخر زندگیش به ترجمه ی کتاب ادبی و فلسفی پرداخت .
برکن هایم - آلساندر مویسویچ (Berkenheim) -

(Alexander, Moiseyevich) (۱۸۸۰ - ۱۹۳۲) انقلابی سوسیالیست که در جنبش تعاونی شرکت کرد . بعد از انقلاب پورژوا - دمکراتیک فوریه ی ۱۹۱۷ بعنوان رییس کمیته ی تغذیه مسکو منصوب شد . در ۱۹۲۲ به خارجه مهاجرت کرد .

برشکو - برشکو فسکایا ، یکاترینا کنستاننتینوفنا Breshko -

Breshko Veskaya, Yekaterina Konstantinovna

یکی از سازمان دهندگان و رهبران حزب اسار و جزء

جبهه‌ی راست افراطی آن بود. بعد از انقلاب ۱۹۱۷ از دولت موقت بورژوازی حمایت کرد و خواهان ادامه جنگ امپریالیستی تا پیروزی نهایی گردید. بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر علیه دولت شوروی مبارزه کرد. در ۱۹۱۹ به آمریکا مهاجرت کرد و سپس به فرانسه رفت. او در انتشار روزنامه‌ی دنی (روزها) در پاریس که متعلق به مهاجرین سفید بود کمک و یاری کرده روسیه شوروی را مورد تهمت و افترا قرار داد، و از سازماندهی مداخله‌ی تازه‌ای در شوروی دفاع کرد. اریستید، بریاند (۱۸۶۳ - ۱۹۳۲) سیاستمدار و دیپلمات فرانسوی برای مدتی عضو جبهه‌ی چپ حزب سوسیالیست بود. بعد از انتخاب در پارلمان در ۱۹۰۲ به سیاستمدار ارتجاعی بورژوازی تبدیل و آشکارا دشمن طبقه‌ی کارگر گردید. در ۱۹۱۳، ۱۷ - ۱۹۱۵ ۲ - ۱۹۲۱ بعنوان نخست وزیر و در فواصل سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۱ بعنوان وزیر امور خارجه منصوب شد.

بولی‌گین، آلکساندر گریگوریویچ (۱۸۵۱ - ۱۹۱۹) سیاستمدار روسیه‌ی تزاری بود. در ۱۹۰۵ وزیر کشور بود و لایحه‌ی فراهوانی یک دوماً دولتی مشورتی را برای تضعیف جنبش انقلابی مطرح ساخت. این دو ما هرگز تشکیل نشد.

چایکوفسکی، نیکلای واسیلیویچ Chaikovsk Nikolai Vasilyevich (۱۸۵۰ - ۱۹۲۶) ابتدا نارودنیک، سپس جزو اس‌ارها و پوپولار سوسیالیست‌ها درآمد. بعد از انقلاب بورژوا - دمکراتیک ۱۹۱۷ یکی از اعضای کمیته‌ی مرکزی حزب پوپولار سوسیالیست

کارگران متحد و همچنین عضو کمیته‌ی اجرایی شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد و نمایندگان انجمن‌های دهقانی سراسر روسیه بود. در ۱۹۱۹ به پاریس مهاجرت کرد و در آنجا یکی از حمایت‌کنندگان فعال دنیکین و ورانگل بود.

چرنف، ویکتور میخائیلوویچ (۱۸۷۶ - ۱۹۵۲) یکی از رهبران و تئوریسین‌های حزب اس‌ا‌ر بود. در مه - آگوست ۱۹۱۷ در دولت موقت وزیر کشاورزی شد. اقدامات شدید بازدارنده‌ی علیه دهقانانی که املاک مالکین را تصرف کرده بودند اعمال کرد. بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر یکی از سازمان‌دهندگان شورش‌های ضد شوروی بود. در ۱۹۲۵ به خارج مهاجرت کرد. و به فعالیت‌های خود بر علیه روسیه‌ی شوروی ادامه داد.

دان (گوروویچ، فئودور ایوانوویچ) (۱۸۷۱ - ۱۹۴۷) یکی از رهبران منشویک‌ها و یکی از سوسیال - شوونیست‌ها در هنگام جنگ جهانی اول بود. بعد از انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه ۱۹۱۷ یکی از اعضای کمیته‌ی اجرایی شورای پتروگراد و هیئت عامله‌ی کمیته‌ی مرکزی اجرایی اولین فراخوانی مجمع موسسان بود و از حکومت موقت بورژوازی پشتیبانی می‌کرد. بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر فعالانه بر علیه دولت شوروی فعالیت کرده در اوایل ۱۹۲۲ بعزت فعالیت‌های ضد شوروی از کشور تبعید شد.

دانتن، جورج ژاکز (Georges, Jacques) (۱۷۹۴ - ۱۷۵۹) - رهبر برجسته انقلاب بورژوازی فرانسه در پایان

قرن هیجدهم بود .

دوباسف (Dubasov) - افسر غیر حزبی که در طول جنگ جهانی اول در جبهه جنگ جنگید .

گوزدیف ، کوزما آنتونویچ (۱۸۸۳) - منشویک و وزیرکار در دولت موقت بورژوازی در سپتامبر ۱۹۱۷ بود .

جور دانیایا ، نوی نیکلایویچ (Noi Nikolayevich) (۱۸۷۰ - ۱۹۵۳) رهبر سوسیال دمکرات منشویکهای

کاکازیان (Caucasian) بود و در طول جنگ جهانی اول موضع سوسیال شوونیستی اتخاذ کرد . بعد از انقلاب بورژوا - دمکراتیک

فوریه ۱۹۱۷ به ریاست شورای نمایندگان کارگران تفلیس رسید و حکومت منشویکی ضد انقلابی **گرجان** (Georgian) (۲۱ -

۱۹۱۸) را رهبری کرد . در سال ۱۹۲۱ به خارجه مهاجرت کرد . کرنسکی آلساندر فیدوروویچ (۱۸۸۱ - ۱۹۷۰) از افراد اس

ار و یکی از سوسیال - شوونیست های متعصب در دوران جنگ جهانی اول بود . بعد از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ وزیر دادگستری ، وزیر جنگ و

نیروی دریایی شد ، سپس به ریاست حکومت موقت بورژوازی و فرماندهی کل قوا منصوب گردید . بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر بر علیه

دولت شوروی مبارزه کرد و در ۱۹۱۸ به خارجه گریخت . کیشکین ، نیکلای میخائیلوویچ (۱۸۶۴ - ۱۹۳۰) - پزشک

ویکی از رهبران کادتها ، و وزیر امنیت اجتماعی در آخرین حکومت موقت بورژوازی بود .

در آغاز انقلاب سوسیالیستی اکتبر به فرمانداری پترو گراد منصوب شد، یکی از اعضای اصلی مرکز تاکتیکی، که یک سازمان ضد انقلابی گاردهای سفید در ۱۹۱۹ در مسکو بود، می‌باشد، در آخرین سالهای زندگی در کمیساریای بهداشت دولتی کار می‌کرد.

(People, s Commissariate of, Health)

کونووالوف، آلکساندر ایوانوویچ (۱۸۷۵) تولید کننده بزرگ پارچه و وزیر تجارت و صنعت در حکومت موقت کرنسکی.

کوسکوا، یکاترینا دمیتریفنا (Yekatrina Dmitriyevna) (۱۸۶۹ - ۱۹۵۸) روزنامه نگار و مفسر بورژوازی بود.

لی بر (مرد طلایی)، میخائیل ایساکوویچ Mikhail Isaakovich (۱۸۸۰ - ۱۹۳۷) - یکی از رهبران باندها (Vurd) و منشویک بود در طول جنگ اول جهانی موضع سوسیال شوونیستی اتخاذ کرد. بعد از انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه ۱۹۱۷ یکی از اعضای کمیته‌ی اجرایی شورای نمایندگان کارگران و سربازان و از اعضای هیئت عامله‌ی کمیته‌ی اجرایی مرکزی اولین فراخوانی مجمع موسسان بود و از دولت موقت ائتلافی حمایت کرد. او یکی از مخالفان سرسخت انقلاب سوسیالیستی اکتبر بود و در نتیجه بعدها در کارهای اداری بکار پرداخت.

مارتف، لو (تسدر بام، یولی آسیپوویچ - Tesederbaum و Yuli Osipovich) (۱۸۷۳ - ۱۹۲۳) - یکی از رهبران

منشویک بود. در طول جنگ جهانی اول در موضع سوسیال شوونیست
 نهانی قرار گرفت. بعد از انقلاب بورژوا - دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷
 گروه منشویک انترناسیولیست را زهبری کرد و عضو کمیته اجرایی
 شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد گردید. بعد از انقلاب
 سوسیالیستی اکتبر به مخالفت با دولت شوروی پرداخت، در ۱۹۲۵
 به آلمان مهاجرت کرد و در آنجا ارگان ضدانقلابی منشویکی بنام،
 Sotsialistichesky Vestnik ، (پیام آور سوسیالیست)
 را در برلین منتشر ساخت.

نیکی تین، م. ا. (۱۸۷۶) - حرفه او وکالت و منشویک
 بود. بعد از حوادث جولای در دولت موقت بورژوازی وزیر پست و
 تلگراف و سپس وزیر کشور شد.

پرور زف، پاول میکلا یویچ (Paue1)

(Mikolayevich) وکیل و حقوقدان هوادار اس ارها بود، در
 اولین حکومت موقت ائتلافی بورژوازی وزیر دادگستری شد. در ژوئیه
 ۱۹۱۷ مدارک جعل شده بوسیله ی آلکسینکی و سرویس جاسوسی نظامی
 را که در آنها لنین و بلشویکها مورد افترا قرار گرفته بودند، منتشر
 کرد.

پشخانف، آلکسی و اسیلیویچ (۱۸۶۷ - ۱۹۳۳) از مبلغان
 بورژوازی، ویکی از رهبران حزب خورده بورژوازی پوپولار سوسیالیست
 از سال ۱۹۰۶ به بعد می باشد. در سال ۱۹۱۷ در حکومت موقت
 بورژوازی پست و وزارت تغذیه را بدست آورد. بعد از انقلاب سوسیالیستی

اکتبر با دولت شوروی به مبارزه پرداخت و از سال ۱۹۲۲ به اردوگاه مهاجرین سفید پیوست .

پلخانف، گئورگی والننتینوویچ (۱۹۱۸ - ۱۸۵۶) چهره‌ی برجسته در روسیه و در جنبش سوسیالیست بین‌المللی، مبلغ مشهور و برجسته مارکسیسم که بعدها تبدیل به منشویک شد .

پروکوپوویچ ، سرگئی نیکلای ویچ (۱۹۵۵ - ۱۸۷۱) مبلغ و اقتصاددان بورژوازی عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات مشروطه طلب و وزیر تغذیه در دولت موقت بورژوازی بود . بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر به مخالفت با دولت شوروی پرداخت و بعلت فعالیت‌های ضد شوروی از روسیه تبعید شد .

شنگاریف ، آندره ایوانوویچ (Shingaryov) و Andre Ivanovich (۱۹۱۸ - ۱۸۶۹) - از ۱۹۰۷ یکی از اعضای کمیته‌ی مرکزی حزب کادتها بود . بعد از انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه ۱۹۱۷ در اولین دولت موقت بورژوازی در سمت وزیر کشاورزی و در دولت موقت ائتلافی بورژوازی بعنوان وزیر دارایی مشغول بکار شد .

استولیپین ، پیوتر آرکادیویچ (Pyotor

Arkadyevich (۱۹۱۱ - ۱۸۶۲) ، رئیس هیئت وزیران از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ و یکی از مرتجعین سرسخت بود . نام او با سرکوبی اولین انقلاب روسیه ۷ - ۱۹۰۵ و ارتجاع سیاسی بعد از آن همراه می‌باشد .

استروه ، پی‌تر برنگا دوویچ (Berngadovich

(Peter) (۱۹۴۴ - ۱۸۷۰) ، مبلغ و اقتصاددان بورژوا و

یکی از برجسته‌ترین نمایندگان مارکسیسم قانونی بود .

تزر تلی ، اراکلی گئورگیه‌ویچ (Irakly Georgievich)

(۱۹۵۹ - ۱۸۸۲) - یکی از رهبران منشویک که در طول جنگ

جهانی اول در موضع سوسیال شوونیستی نهانی قرار گرفت .

بعد از انقلاب بورژوا - دمکراتیک فوریه ۱۹۱۷ عضو کمیته‌ی

مرکزی شورای پتروگراد ، عضو اولین کمیته اجرایی مرکزی شوراهای

وزیر پست و تلگراف در حکومت موقت بورژوازی و بعد از وقایع ژوئیه

در ۱۹۱۷ وزیر کشور شد . تعقیب و اذیت و آزار بلشویکها را تشویق

می کرد . بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتبر یکی از رهبران حکومت

منشویکی **جرمان** شد و بعدها از شوروی مهاجرت کرد .